

آیین‌های سنتی و جایگاه آن در توسعه گردشگری شرق گیلان

علیرضا کشوردوست* - استادیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
یلدا پرووری مقدم - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم

دریافت مقاله: ۸۹/۵/۱۶

پذیرش نهایی: ۸۹/۱۲/۲۵

چکیده

گوناگونی شاخه‌های گردشگری فرهنگی در کشور باستانی ما، هم بسترساز پیشرفت صنعت گردشگری و هم سبب پدیدآیی رخدادهای گوناگون فرهنگی است. در زمانه ما، پدیده فرهنگ-ازجمله آیین‌های سنتی- جایگاه ویژه‌ای در تعاملات جهانی داشته و کارگزاران نظام نوین نیز در راستای یگانه سازی فرهنگ‌ها، فرآیند خود خواسته‌ای را پی‌ریخته‌اند.

هر فرهنگی، چشم‌انداز ویژه خود را می‌آفریند و این چشم‌اندازها هستند که با گیرایی خود، گردشگران پرشمار گیتی را به سوی خود می‌کشانند و در فرآیند آن صلحی پایدارتر حکمفرما خواهد شد. در این پژوهش، ویژگی آیین‌های سنتی محدوده شرق گیلان که شامل شهرستان‌های: آستانه، سباهکل، لاهیجان، لنگرود، رودسر و املش می‌شود، در مقوله آیین‌های سنتی مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش در این مقاله به صورت توصیفی- تحلیلی است که از فرآیند داده‌های گرفته شده از مشاهدات میدانی و آمارهای گرفته شده از پرسش‌نامه، پرداخته شده است. همچنین به امر پیشرفت گردشگری که می‌تواند در پویایی فرهنگی یک منطقه اثر گذار باشد و در فرآیند آن راهگشای سیاست‌گذاران صنعت گردشگری نیز شود، مورد توجه قرار گرفته است و این هدف را دنبال نموده است که پاسداری از آیین‌های سنتی سبب می‌شود روند جهانی سازی، فرآیند خود خواسته برنامه‌ریزان جهانی را بی‌نگیرد.

واژه‌گان کلیدی: آیین‌های سنتی، گردشگری فرهنگی، پیشرفت گردشگری، شرق گیلان

E-mail: kheshvardost@iaurasht.ac.ir

نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۳۹۸۱۵۸

۱. مقدمه

فرهنگ، زایندهٔ زمان و مکان است و شاید نتوان تأثیر هیچ یک از این دو عامل را در شکل‌گیری فرهنگ یک سرزمین بر دیگری برتری داد و به ناچار باید در بررسی فرهنگ هر سرزمین - که آیین‌های سنتی نیز بخشی از آن است - به تأثیرات این دو عامل پرداخت؛ در نتیجه به هنگام بررسی فرهنگ یک سرزمین باید تأثیرات دو عامل زمان و مکان را بر هم سنجید، زیرا زمان، در بطن خود تأثیرات مکانی را بستر رشد دهنده یا کند کنندهٔ طول موج تأثیرات مکانی دیگر می‌سازد.

زمانی که فرهنگی در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی اعضای خود توفیق زیادی به دست آورد، در نواحی گوناگون جغرافیایی گسترش می‌یابد و زمان بیشتری را برای فعالیت‌های فرهنگی غیر از تأمین معاش صرف می‌کنند. از این نظر در جدایی مکان‌ها عامل فرهنگ از علل مهم به شمار می‌آید و گاهی از این طریق وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی عملی می‌شود.

در راستای سیاست جهانی سازی که بر سه پایه، سامان یافته است. پایهٔ برجسته و نخستین آن، فرهنگ سازی یگانه جهانی است که همه کشورهای گیتی باید یگانه بیندیشند و یگانه زیست کنند. در این روند است که فرهنگ شناسان آگاه گیتی برای شناخت بیشتر و شکوفایی فرهنگ‌های بومی گام‌های در خوری برداشته‌اند. در این فرآیند، تعدادی از پژوهشگران بومی فرهنگ گیلان، مطالبی را در این زمینه به چاپ رسانده‌اند.

پیشرفت صنعت گردشگری اگر از مهمترین عناصر مورد توجه در سیاست‌گذاری‌های کشورها در سده کنونی نباشد، بی‌شک یکی از پراهمیت‌ترین آنهاست. این پیشرفت مستلزم مهیا شدن محیطی مناسب برای رشد است. پدیدایی این محیط مناسب در گرو ایجاد فرهنگ گردشگری و به دنبال آن مناسبترین نوع آن یعنی گردشگری آیینی است. سرزمین باستانی گیلان که ۹/۰ درصد از گسترهٔ ایران بزرگ را شامل می‌شود، دارای پیشینه‌ای است که کمتر مورد گشایش و ارزیابی قرار گرفته است. این کهن دیار سرسبز، مانند سایر نقاط ایران زمین، دارای آداب و رسوم، آیین‌ها و سنت‌هایی است که برخی از آنها پسندیده و ریشه‌دارند و برخی دیگر از سایر نقاط کشور پهناور ایران به این سامان انتقال یافته است (کشوردوست، ۱۳۸۶: ۳).

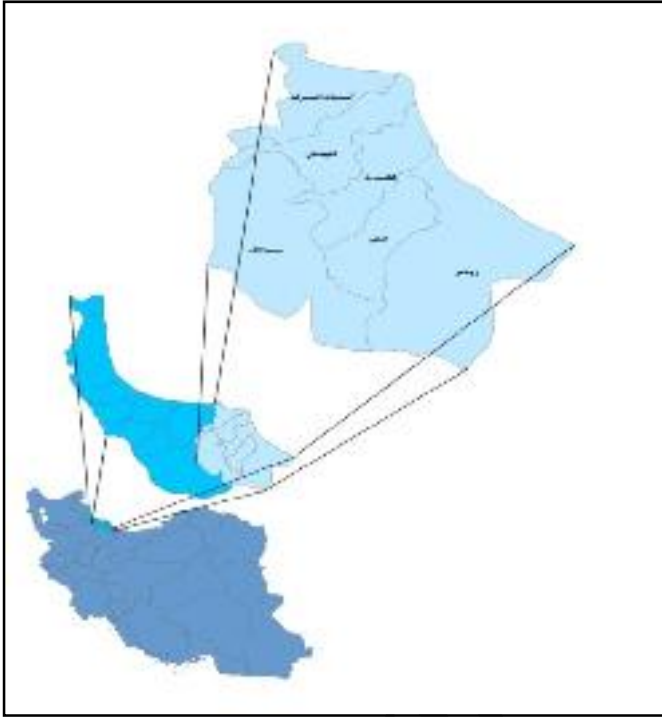
با آن‌که رسانه‌های گروهی در هجومی هماهنگ، گویش‌ها و زبان‌های غیرمعیار و جاذبه‌های فرهنگی و اصالت‌های بومی را سخت به نشانه رفته‌اند و در این راستا، هوش و حواس‌ها را به کمک تکنیک و هنر و فناوری روز، معطوف خویش ساخته‌اند، اما هنوز که هنوز است، کشتگران، صیادان و دامداران گیلانی به گاه شب‌نشینی‌های‌شان در رواق خانه‌های گلی، کومه‌ها، کولام‌های‌شان، با بازگوکردن قصه‌ها، مثل‌ها و مثل‌ها، چیستان‌ها،

افسانه‌ها و اجرای آیین‌ها و رسم‌های‌شان، شب‌های بلند زمستان را به صبح می‌رسانند. این امر بیانگر وجود تمدن، فرهنگ و هنر غنی در بین گیلک زبانان این مرز و بوم است که به خرده فرهنگ‌های سرزمین خود احترام گذاشته و بدان ارج می‌نهند.

آیین‌ها و جشن‌هایی که در بین گیلانیان به عنوان بخش اعظمی از فرهنگ و هنر و تمدن مطرح می‌باشد، نشان‌دهنده افکار، روحیات، آمال و آرزوهایی است که باشندگان این دیار تاریخی در سر می‌پرورانند. بنابراین با پژوهش، بررسی و موشکافی در آیین‌های مرسوم در بین گیلکان، می‌توان به ویژگی‌های روحی و اخلاقی این اقوام پی برد. بیشتر جشن‌ها و آیین‌های بومی تا حدود سی سال پیش در نقاط گوناگون گیلان رایج بود؛ درحالی که امروزه سنت‌ها و آداب و رسوم گذشته ما در بین نسل جوان جایگاهی نداشته و در حال از بین رفتن است. بنابراین اگر در حفظ، ثبت، شناساندن و نیز احیای آنها گامی مؤثر برداشته نشود، فرهنگی بیگانه بر ما چیره خواهد شد و به آسانی، تاریخ، تمدن، فرهنگ و هنر هفت هزار ساله خود را از دست خواهیم داد.

این پژوهش آیین‌های سنتی محدوده شرق گیلان را شناسایی نموده و به تأثیر آن در زمینه گردشگری پرداخته است و در تلاش است به این پرسش پاسخ دهد که آیا اجرای آیین‌های سنتی در شرق گیلان و معرفی و تبلیغ فرهنگ موجب توسعه کمی گردشگری این مناطق خواهد شد؟ و دوم این که آیا توسعه گردشگری در شرق گیلان باعث تثبیت و احیای فرهنگ سنتی این مناطق خواهد شد؟

با توجه به گوناگونی و همچنین برخی از ویژگی‌های نمایش‌های آیینی و سنتی شرق گیلان که برای مطرح شدن در سطح جهانی از ظرفیت خوبی برخوردارند، جلب توجه، هنرمندان، کارشناسان و علاقه‌مندان را می‌طلبد؛ بنابراین در مرحله نخست، نیازمند نگارش این آیین‌های نمایشی در سطح ملی و در گام بعدی، منتظر ثبت جهانی آنها هستیم.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۲. شیوه پژوهش

در این پژوهش، عمدتاً از تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی که برگرفته از تکمیل پرسش‌نامه، توسط گردشگرانی که از شرق گیلان دیدن نموده‌اند، استفاده شده است. سؤال‌های این پرسش‌نامه به صورت هدفمند، جهت سنجش میزان آگاهی گردشگران نسبت به ویژگی‌های فرهنگی محدوده شرق گیلان طراحی گردیده است. همچنین برای نمونه‌گیری براساس جدول مورگان (نادری و نراقی، ۱۳۷۲: ۲۱۶) تعداد ۳۸۴ پرسش‌نامه به تعداد مساوی بین گردشگران مرد وزن و به طور تصادفی در مناطق فعال گردشگری محدوده شرق گیلان توزیع گردیده است. به منظور ارزیابی پرسش‌نامه‌ها از روش ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن برای تعیین ضریب همبستگی بین متغیرها استفاده شده است.

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. آیین‌های سنتی

نمایش‌ها و آیین‌ها با توجه به اوضاع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی به وجود آمده‌اند و ویژگی‌های بومی و ملی هر سرزمینی در آنها منعکس است. مردم گیلان نیز در طول حیات تاریخی و تکامل اجتماعی و فرهنگی خویش، نمایش‌ها و بازی‌هایی را ابداع کرده‌اند که در فصول، زمان‌ها و مکان‌های گوناگون با شرایط و در روزهای ویژه اجرا می‌شدند، اما بر اثر تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی، بسیاری از آنها اکنون جای خود را به اشکال نوین داده‌اند. آیین‌های سنتی، برآیند ادراک و برداشت مردمان ساکن یک منطقه است که شیوه‌ها و روش‌های تعامل متقابل با نامرادی‌ها و سختی‌های روزگار و طبیعت ناسازگار را در قالب انواع بازی‌های بومی و سنتی به فرزندان خود آموزش می‌دادند. آیین‌های سنتی به دلیل تمایلات، گرایش‌ها و علایق فرهنگی، ذوقی و هنری مردم مناطق مختلف از تنوع زیادی برخوردار است. مهم‌ترین ویژگی آنها سادگی پرداختن با آنها در هر زمان و هر مکان و عدم نیاز به ابزار و وسایل پرهزینه می‌باشد (روح الامینی، ۱۳۸۳: ۵۴).

نقش و نگار منقوش بر روی سفالینه‌های کهن و دیوارهای محل زندگی انسان‌های نخستین که حرکات و رقص‌های نمایشی بر اعتقادات جادویی را نشان می‌دهد و نیز وجود این گونه آیین‌ها و مناسک در میان بومیان امروزی مناطقی از جهان که از جریان‌های عمومی فرهنگ و تمدن برکنار مانده‌اند و نمونه‌های دیگر عناصر نمایشی در فرهنگ‌های باستانی و تداوم آنها تا زمان حال، همه حاکی از این واقعیت است که نمایش سنتی، قدمتی به عمر فرهنگ انسانی و وسعتی به پهنای عرصه زندگی بشر دارد. آیین‌ها در شکل کهن خود نه به عنوان یک هنر، بلکه به صورت بخشی از زندگی و جزیی از فرهنگ، در جامعه حضور دارد.

فرهنگ مردم گیلان مانند تمامی فرهنگ‌های شفاهی و مردمی در فراختای زمان و از عناصر اسطوره‌ای و آیینی شکل گرفته و نمایش‌های آیینی، بخشی جدایی ناپذیر از این فرهنگ به شمار می‌رود. اگر چه ممکن است نتوانیم از دیدگاه باستان شناسی و انسان شناسی و تاریخ، مأخذ دقیقی برای شکل‌گیری، عملکرد و کاربست این نمایش‌های آیینی به دست دهیم و قادر نباشیم دلایل کارکرد گرایانه و خاستگاه بسیاری از آنها را روشن نماییم اما با این همه، اینها چیزی از ارزش غایی و ذاتی این عناصر زاینده فرهنگ بومی نمی‌کاهد.

آنچه ناگوار می‌نماید این است که یورش پی در پی فرهنگ رسمی موجب عقب راندن بسیاری از این عناصر فرهنگ بومی و قومی در اعماق مناطق جنگلی و کوهستانی

گردیده است، چنان که بسیاری از این بازی‌ها و آیین‌ها دیگر به ندرت، آن هم در دورترین نقاط روستایی، برگزار می‌شوند. بسیاری دیگر از آنها نیز فقط در ذهن و خاطرات ریش‌سفیدان و گیس‌سفیدانی که آفتاب عمرشان لب بام است، وجود دارند (موسوی، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۷).

۳-۲. انواع آیین‌های سنتی

- آیین‌ها و مراسمی که در طول زندگی یک انسان انجام می‌شود و محور انجام آن، فرد انسانی است. آیین‌ها و مراسمی که به مقاطع گوناگون زندگی یک فرد از تولد تا مرگ مربوط می‌شود.
- آیین‌ها و مراسمی که در گردش یک سال قمری برگزار می‌شود و برگزاری آنها به یک روز معین از سال بستگی دارد.
- آیین‌ها و مراسمی که در گردش یک سال خورشیدی برگزار می‌شود.
- آیین‌ها و مراسمی که در رابطه با فعالیت‌های تولیدی و معیشتی انجام می‌شود (اصلاح عربانی، ۱۳۸۰: ۴۲۳).

۳-۲-۱. آیین‌ها و مراسم در طول زندگی یک فرد

آداب و مراسم سوگواری آیین‌ها و مراسمی است که در انتهای عمر یک انسان برگزار می‌شود. بنا بر اعتقاد به معاد و وجود جهانی دیگر در هر نقطه از ایران و جهان مراسم خاصی را برای خود مرده برگزار می‌کنند که ریشه در اعتقادات و دستورات دینی و مذهبی مردم آن منطقه دارد. از برگزاری این گونه مراسم دو هدف مد نظر است: یکی طلب آموزش و آرامش برای روح شخص در گذشته (جنبه اعتقادی) و دیگری به منظور همراهی همدردی با بازماندگان و حفظ احترام و رعایت شئوون خانواده می‌باشد.

فرزند خواهی: به سبب نقش فعال بچه‌ها در خانواده‌های سنتی و به ویژه روستایی به لحاظ اهمیت تداوم نسل، باروری و فرزندآوری، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ از این رو زنان برای بارورشدن به تمهیدات گوناگون می‌پردازند که مبتنی بر تجربیات پیشینیان است و معمولاً پیر زنان و ماماهاى محل، کار آشنای آن هستند. همچنین بقعه‌ها و مکان‌های نظر کرده، نقطه‌های امید زنان حاجتمندی هستند که خواهان فرزند می‌باشند. علاوه بر فرزند خواهی، پسر داشتن نیز به لحاظ پایگاه با اهمیت مرد در جامعه، برای همه آرزویی است که به صورت‌های گوناگون در آداب و مراسم عروسی و در باورها و اعتقادات مربوط به دوران بارداری و زمان تولد نوزاد به چشم می‌خورد. تولد نوزاد در همه جای گیلان، در میان قشرها و گروه‌های گوناگون، به تناسب امکانات و بر حسب رسم هر محل با آداب و تشریفاتى همراه است؛ به دیدن هم می‌آیند، هدیه

می‌آورند و به هر ترتیب قدم نورسیده را مبارک باد می‌گویند؛ در واقع، تولد و حضور یک انسان دیگر در جمع خود را گرامی می‌دارند (اصلاح عربانی، ۱۳۸۰: ۴۴۸).

گازفروشان: برای دندان در آوردن بچه در همه جای گیلان به تناسب بضاعت مالی خانواده مجلس مهمانی برقرار می‌کنند. این رسم علاوه بر گیلان تقریباً در تمام نقاط ایران معمول است. برای این مهمانی دانه‌هایی مانند گندم، برنج، نخود، لوبیا، عدس و غیره یعنی مواد اصلی غذای مردم را می‌پزند و با آنها از میهمانان پذیرایی می‌کنند؛ مقداری را نیز برای همسایگان می‌فرستند. جشن و میهمانی دندان در آوردن بچه در شرق گیلان «دندون فروشون» نام دارد. مفهوم آن در هر سه ترکیب نثار کردن و فروپاشیدن دانه، به خاطر دندان در آوردن می‌باشد که به نظر می‌رسد، بن مایه آن، گونه‌ای از شکرانه و نثار هدیه باشد؛ به مناسبت این که طفل توان غذا خوردن و تأمین نیروی جسمانی خود را به دست آورد.

آیین ازدواج: مراسم ازدواج در واقع جشن تولد یک خانواده و یک واحد جدید اجتماع است. به همین سبب پیوند دوتن همیشه و در همه جا از حرمت و اهمیت خاصی برخوردار بوده است. عروسی، بزرگترین و پر هیجان‌ترین مراسمی است که در درازای زندگی یک فرد انجام می‌شود و در شمار مراسم همه گیر جامعه است. مراسم عروسی، بخش‌های گوناگونی را شامل می‌شود که ترتیب و کیفیت آن ممکن است در همه جا یکسان نباشد؛ همچنین در هر جا ممکن است آداب و رسوم ویژه همان محل وجود داشته باشد؛ اما به هر حال مراحل از مجموعه مراسم عروسی در شمار مشترکات یک حوزه فرهنگی است.

بردن عروس به خانه داماد را به اصطلاح گیشه بری می‌گویند که با هیجان‌ترین قسمت از مراسم عروسی و نقطه اوج این مراسم است. در این هنگام صدای ساز و نقاره، ترانه خوانی و مبارکباد، فضا را آکنده می‌کند؛ اما گویی در نهانگاه فرهنگ جامعه نیز، همانند عروس که دارای دلی نگران و غم و اندوه خداحافظی از دوران کودکی و نوجوانی خود در خانه پدر است، دل نگرانی و تشویش وجود دارد و بنا به رسم، به صورت‌های گوناگونی برای عروس بخت و اقبال خوب آرزو می‌کنند. در روستای ناصرکیاده لاهیجان، وقتی عروس از جلوی خانه خویشان نزدیک عبور می‌کرد، علاوه بر شاباش و پذیرایی با نقل و شیرینی یک قاشق چوبی هم در دستمالی که به کمر عروس بسته شده بود قرار می‌دادند که منشأ خیر و برکت و حاوی نان یا آرد است (همان منبع، ۴۴۹).

آداب و مراسم سوگواری: بنا بر باور، به وجود جهانی دیگر و زندگی پس از مرگ که به شکل‌های گوناگون در تمام ادیان گیتی وجود دارد، در هر جا آیین‌ها و رسم‌های ویژه‌ای در مرگ افراد برگزار می‌شود. این آیین‌ها، مبتنی بر باورها و دستورات دین و

مذهب رایج و متأثر از باورهای بازمانده از ادیان ومذاهب پیشین هستند. در گیلان نیز آیین‌ها و رسوم سوگواری خارج از اصول یاد شده نیست. همگونی نسبی مبانی اعتقادی در بعد زمانی، در گستره مکانی و پیشینه تقریباً مشترک، موجب آن شده که همه نقاط گیلان، سنت‌های همانندی در برگزاری این مراسم داشته باشند. در گیلان به ویژه در شهرهای کوچک و روستاها، هنوز خبر مرگ از آن هرکس و در هر موقعیتی باشد، گرد غم بر محله‌ای از شهر و یا تمام یک روستا می‌پاشد و همه را به هم دردی و یاری سوگواران فرا می‌خواند. همه در برداشتن و تشییع و به خاک سپاری همکاری و همراهی می‌کنند. مرده را که به خاک سپردند، با سوگواران تا خانه همراه می‌شوند؛ نزدیکان می‌مانند و بقیه خداحافظی می‌کنند (همان منبع: ۴۵۰). در دیلمان سابقاً بعضی خانواده‌ها پنجم ونهم هم می‌گرفتند. به احترام خانواده سوگوار اهالی محل تا مدتی و معمولاً تا چهلم از برگزاری مجالس عروسی وشادمانی خودداری می‌نمایند.

۲-۲-۳. آیین‌ها و مراسم در گردش یک سال قمری

از قبیل باورها و رسوم ماه رمضان (عید فطر)، نیمه شعبان، عید غدیر، عید قربان، مراسم ماه محرم و عزاداری‌های مربوط به آن، روضه خوانی، دسته گردانی و تعزیه خوانی می‌باشد.

مراسم عید فطر: با دیده شدن هلال ماه شوال، رمضان به پایان می‌رسد و فردای آن، عید فطر است. صبح در مسجد نماز می‌گزارند و عید را با آرزوی قبول بودن عبادات ماه رمضان به هم تبریک می‌گویند. در بعضی مناطق، آش و حلوا، عسل، ماست و خوردنی‌های دیگر به گورستان می‌برند و سر مزارها سوره یاسین می‌خوانند (اصلاح عربانی، ۱۳۸۰: ۴۵۳).

مراسم نیمه شعبان: سالروز ولادت حضرت امام زمان (عج) است. شب و روز نیمه شعبان را تقریباً در همه جا جشن می‌گیرند و تنها جشنی است که در آن مردم معابر، بازارها و مغازه‌ها را آذین می‌بندند و چراغانی می‌کنند. در کلشتر و اطراف آن مردم باور دارند که در لحظه نامشخصی از شب نیمه شعبان برکت بر زمین فرود می‌آید و در آن لحظه آب‌ها از حرکت می‌ایستند و درختان سر فرود می‌آورند و هرکس آن لحظه را دریابد، هر مرادی داشته باشد، حاصل می‌شود (همان منبع: ۴۵۴).

مراسم عید قربان: دهمین روز از ماه ذیحجه عید قربان است. قربانی کردن، رسم محوری عید قربان است که نام روز مزبور از آن گرفته شده است. از جمله رسم‌های عید قربان که در تمام گیلان مرسوم است، قربانی فرستادن برای دخترانی است که نامزد شده‌اند. پشت گوسفندی را که به خانه عروس می‌فرستند با حنا رنگ، چشمانش را سرمه، شاخش را گل و بعضی دستمال رنگینی هم به گردنش می‌بندند.

مراسم عید غدیر: روز هیجدهم از ماه ذی‌الحجه عید غدیر است. این عید را عید سادات می‌دانند؛ به دیدن آنها می‌روند و از آنها عیدی می‌گیرند. در لاهیجان و شرق گیلان بعضی ثروتمندان به خانه سادات تهی دست می‌رفتند، عیدی می‌دادند و برای خجسته داشتن عیدی می‌گرفتند. عید غدیر آخرین رسم معمول در گردش یک سال قمری است.

مراسم ماه محرم: مراسم سوگواری ماه محرم در شرق گیلان (به ویژه لاهیجان) ریشه در سده‌های بسیار دور دارد و گاه دیواره آیین بر پادارنده خود را شکسته و ریشه به چشمه گوارای فرهنگ پویای ایران باستان می‌رساند. این پهنه، پیش از چیرگی عرب‌های مسلمان بر ایران، سال‌ها پناهگاه گریختگان از ستم دربارهای دربند اندیشه‌های چیرگی جویانه بوده و هر گریزنده‌ای به همراه دارنده غمی و دردی و رنجی؛ او با این‌وآن سخن می‌گفت و غم او در اندیشه باشندگان این سامان می‌ماند و چون غمی نو بر باشندگان چیرا می‌شد. در سده‌های نخستین پس از چیرگی عرب‌های مسلمان گروهی توانمندانه براریکه فرمانروایی نشسته و بر دیگران ستم روا داشتند و ستمدیدگان از پیرامون تخت فرمانروایی گریخته و در پی یافتن پناهگاهی به دیلمان و گیلان و تبرستان آمدند و اندیشه اسلامی را نه با شمشیر که با مهربانی میان مردم پراکندند. تشیع چون خونی در رگ‌های تاریخ گیلان جاری است و اگر چند گاهی توانمندی از سنیان بر گیلان نیز چون دیگر پاره‌های ایران فرمان رانند، هیچ‌گاه نتوانستند شیعیان را سر به فرمان آورند. به روزگار فرمانروایی بازمندگان مغول‌ها بر ایران و چیرگی فرمانروایان سنی، گروه‌های شیعه بیش از پیش به هم نزدیک شدند و مراسم ماه محرم را به مرور برپاداشتند (کشوردوست، ۱۳۷۲: ۱۴۰).

مراسم معنوی علم و اچینی در شاه شهیدان: مراسم علم و اچینی به نیت روز عاشورا هر ساله در یکی از روزهای آدینه نیمه مرداد در کنار امامزادگان محمد و هادی (ع) از فرزندان امام سجاد (ع) در روستای شاه شهیدان برگزار می‌شود. مردم در این روز از سراسر منطقه جلگه‌ای، جنگلی و کوهستانی استان گیلان به بقعه شاه شهیدان می‌آیند و در پیرامون بقعه اتراق می‌کنند. در این روز حاجتمندان و کسانی که نذر کرده بودند، پس از برطرف شدن حاجاتشان، با قربانی کردن گاو و گوسفند به زائران غذا می‌دهند. مراسم علم و اچینی در شاه شهیدان هر ساله با شکوه ویژه‌ای برگزار می‌شود. شکوه و عظمت و نیز حضور گسترده مردم چنان است که هر سال مراسم علم بندی و علم و اچینی شاه شهیدان شاهد حضور هزاران گردشگر داخلی و خارجی است که برای تماشا و به تصویر کشاندن این مراسم به خطه گیلان می‌آیند. در مراسم علم بندی در بقعه شاه شهیدان که مرقد مطهر دو تن از فرزندان شهید عبدالله بن زید بن علی بن

الحسین (ع) به نام‌های امامزاده هادی (ع) و امامزاده محمد (ع) است و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی در کنار مردم حضور می‌یابند.

۳-۲-۳. آیین‌ها و مناسک در گردش یک سال خورشیدی

در گیلان علاوه بر سال رسمی خورشیدی، تقویم دیگری در میان روستاییان معمول است که آن هم مبتنی بر گردش خورشید و شامل دوازده ماه است که از نیمه تابستان آغاز می‌شود. آیین «شب چله» در آخرین شب پاییز، «تیرماه سینزه» و «آبریزگان» در سیزدهمین روز از تیر ماه محلی و آیین نوروز باستانی که در اولین روز فصل بهار آغاز می‌گردد از مهم‌ترین و بزرگترین آیین‌های ملی و قومی محسوب می‌شود (موسوی، ۱۳۸۶: ۲۶۳).

آداب شب یلدا (چله شب) در گیلان: شب یلدا یا چله شب در گیلان، آغاز پرشگون شب نشینی‌های پر شور و همدلان‌های مردم در طول زمستان بود که تا نزدیکی روزهای نوروزی ادامه می‌یافت. در آن سال‌های بی سرگرمی، گرد هم آمدن و از یاد و یاد گارهای گذشته گفتن، تنها مکتب خانه بی‌ریب و ریای انتقال فرهنگ بومی فاز یک نسل به نسل‌های دیگر بود. در این شب‌ها، هم نشینی‌های یآوری و همراهی و همدلی، تلاشی برای نزدیک شدن دل‌ها، یکی شدن، برای غلبه بر کوهی از مشکل‌ها بود که با آمدن زمستان، سنگین تر و وهمناک تر به نظر می‌رسید.

در مالدیه سیاهکل خوردن هفت نوع میوه پاییزی و زمستانی، از رسوم قدیمی چله شب است که هنوز مردم به آن باور دارند. برترین این میوه‌ها، سیب، به‌گلایی محلی (خوج) و ازگیل در آب نگه داشته شده بود و خوردن هر نوع ازگیل را سبب مقاومت بدنشان در برابر سرمای زمستان می‌پنداشتند. امروزه به جای آن، ازگیل پخته می‌خورند. تنقلات این جشن، انواع مرکبات و آجیل که در خانه برشته کرده بودند؛ تخم جمع شده و خشک شده در تابستان، انواع صیفی، برنج و گندم بو داده مخلوط با کشمش شاهانی بود. انواع شیرینی‌های خانگی ویژه شب چله‌های زمستانی، دوشاب برنج، حلوائ کنجدی و کاکا(نوعی کیک خانگی محلی) بود (بشرا و طاهری، ۱۳۸۷: ۶۵).

تیرماه سینزه در گیلان: مراسم تیر ماه سینزه در گیلان، همانند تیر ماه سینزه شوی طبری، بازمانده از جشن تیرگان باستانی است. مراسم تیرماه سینزه گیلانیان، گرچه در اول تابستان و در روز سیزدهم تیرماه برگزار نمی‌شد، اما بنابر همان گاه شماری قدیمی، در زمانی که نام روز و ماه با هم برابر می‌گردید، بر پای داشته می‌شد؛ یعنی سیزدهمین شب از تیر ماه گاه شماری دیلمی. تیر ماه سال طبری و دیلمی با اندکی اختلاف به ترتیب با دوازدهم و بیست‌وهفتم آبان ماه خورشیدی است. آغاز سال دیلمی، پانزده روز پس از آغاز سال طبری است (هومند، ۱۳۷۵: ۹۱).

باوردارندگان این رسم دیرینه باستانی، در آن شب غذای ویژه‌ای برای اهل خانه می‌پختند. این غذا به گندم باقلا معروف بود و از انواع حبوبات پخته می‌شد از جمله گندم و باقلای مازندرانی. پختن میوه و گندم وجو و مُرجو (عدس) در شب تیر ماه سینه‌زده، یادگار این جشن هشت تا ده هزار ساله است (همان منبع: ۵۵). غذا و میوه آنان در این شب و گاه سه شب متوالی، از سیزده غذا و میوه بود؛ برنج، نان، تخم مرغ، سیب زمینی، حلوا، شیرینی، پنیر، شیر، ازگیل، به، سیب، هندوانه و پرتقال. این جشن را تا حدود سال ۱۳۵۳ خورشیدی، در اغلب مناطق دامداری شرق گیلان: واجارگاه، سلاکجان واجارگاه، خان‌پته اربوسرای رحیم‌آباد، کرباس‌سرای رحیم‌آباد، کیارمش اشکور، کورتاچیان ماچیان، دوگل سرا، کبوتر آبکش چابکسر و ده‌جان سیس کوه سیاهکل برگزار می‌کردند (طاهری و بشرا، ۱۳۸۷: ۳۶).

جشن خرمن: این جشن حتماً در یک روز جمعه تابستان، پس از برداشت محصول، در میدان یکی از اماکن متبرکه، برگزار می‌شود. اغلب این آبادی‌ها در شرق دیلمان قرار دارند روز جمعه برگزاری «علم و اچینی» با مشورت ریش سفیدان و متولی آن آبادی تعیین و به آبادیهای اطراف اطلاع داده می‌شود. کوه نشینان، عموماً قاطر دارند و از این آبادی به آن آبادی رفت و آمد می‌کنند. پسران و دختران جوان، بهترین و زیباترین لباس خود را می‌پوشند و زنان، انواع اشیاء زینتی را نیز به لباس‌های خوش رنگ محلی خود می‌افزایند. دختران و پسران آبادی‌های مجاور، در این گشت و گذارها، شریک کار و زندگی آینده خود را بر می‌گزینند. در حدود ساعت دو بعد از ظهر، علم چویی را که به دور آن پارچه‌هایی پیچیده شده است را از زیارتگاه بیرون می‌آورند، سپس جوانان زورمند کوهستان‌ها، دوستانه کشتی می‌گیرند. بعضی از جوانان، از آبادی تا زیارتگاه، مسابقه اسب دوانی ترتیب می‌دهند. شامگاه همان روز آدینه به آبادیهای خود باز می‌گردند و به کار و زندگی می‌پردازند (پاینده، ۱۳۷۷: ۲۲۲-۲۱۸).

چهارشنبه سوری: چهارشنبه سوری نه تنها در گیلان بلکه در تمامی نقاط ایران برجسته ترین و پرشورترین رسم در مجموعه رسم‌های مقدماتی نوروز است که مهم‌ترین عنصر آن آتش است و نامش نیز برگرفته از شعله‌های آتش است. «سوری» به معنی سرخی است و هم از این جهت در بسیاری از نقاط چهارشنبه سرخی نیز به آن می‌گویند. نام گیلانی چهارشنبه سوری «گولی گولی چارشنبه» است که هم سرخی گل‌ها و هم سرخی شعله‌های آتش را به همراه دارد. رسم چارشنبه سوری در بخش‌های گوناگون استان گیلان، متفاوت است. در منطقه دیلمان نیز پنج یا هفت تپه گون می‌گذارند و آن را آتش می‌زنند و از روی آن می‌پرند و می‌گویند «گل گل چارشنبه، نکبت بشه دولت بیه» همچنین در شرق گیلان به ویژه مناطق کوهستانی، رسم است که شب چهارشنبه سوری از روی آب روان می‌پرند و این کار را موجب دوری بلا و بیماری

می‌دانند. در اغلب نقاط شرق گیلان، چارشنبه سوری ظرف آبی از رودخانه یا چشمه به خانه می‌برند و بعضی هم هنگام بردن آب کلامی هم حرف می‌زنند و این آب را «لال آب» می‌نامند.

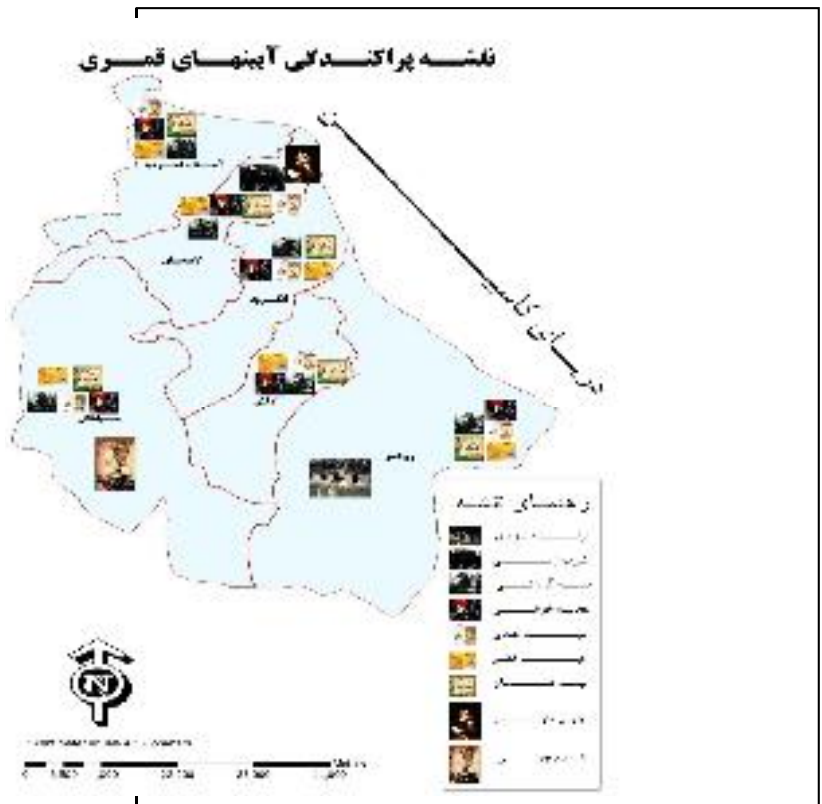
در منطقه املش نیز پس از پریدن از روی آتش، جوانان کوزه‌ای بر می‌بردارند و آن را آب هفت چشمه پر می‌کنند و این آب را که «آب هفت کوثر» می‌نامند به طرف آسمان می‌پاشند تا سال بارانی داشته باشند و بقیه آن سر و روی خود را می‌شویند تا سلامتی بیاورد و بخشی از آب را در مرزعه می‌پاشند تا زمین پر محصول شود.

نوروز خوانی: نوروزخوان‌ها که در زمان‌های گذشته، پیام آوران نوروز بودند، امروزه در بسیاری از مناطق روستایی و کوهستانی گیل و دیلم کار خود را ادامه می‌دهند. نوروزخوان‌ها سراسر خاک سرزمین گیل و دیلم را زیر پا می‌گذارند و نیز نیمی از بخش‌های مناطق کوهستانی و جنگلی استان مازندران را، بخش‌های عمارلو و تا مناطق کجور را که از لحاظ فرهنگی در یک خطه قرار گرفته‌اند درمی‌نورند. آنها به ترجیع که می‌رسند، آن را دو نفری تکرار می‌کنند می‌خوانند. نوروزخوان‌ها معمولاً در شب حرکت می‌کنند و فانوس و چراغی همراه دارند. نوروزخوان‌ها در جلوی هر خانه شعرهایی برای خوشامد صاحبخانه می‌خوانند. مثلاً دعا می‌کردند که پسرهای خانه داماد شوند و روزی، سعادت و نیکبختی برای اهل خانه آرزو می‌کردند که صاحب خانه‌ها هم هدیه‌ای مانند: تخم مرغ، برنج، شیرینی، پول و... به نوروزخوان‌ها می‌دادند.

رابچری: چند هفته مانده به بهار، روزها گروه رابچری، در کوچه محله‌های کومله به راه می‌افتادند. اینان پیام آوران نوروزند و خوشبختی را به در خانه‌های مردم می‌بردند. یک نفر پوست آهو یا گوسفند را بر سر خود می‌اندازد به طوری که تمام بدنش را بپوشاند. زنگوله‌ای برگردن می‌آویزد و عصایی به دست، تا خمیده شود و در بین مردم شناخته نشود. شخص دیگری، کیسه بر دوش می‌گیرد و او را کول بارکش (حمل کننده بار) می‌گویند. نفر دیگر نیز دو عدد چوب نازک را به دست می‌گیرد و شعر مخصوص رابچری را می‌خواند و با چوب‌ها، آرام آرام بر پشت آهو می‌زند و آهو سرش را جلو و عقب، چپ و راست می‌گرداند. و اشعاری را می‌خواندند. بعد از خواندن اشعار رابچری (آهو) نزد صاحبخانه می‌رود و صاحبخانه پول یا مقداری برنج و تخم مرغ به کولبارکش تقدیم و خواننده نیز برای اهل خانواده دعا می‌کند. سپس گروه رابچری به در خانه‌های دیگر می‌روند. در پایان، آنچه انعام گرفته‌اند، به طور مساوی در بین گروه تقسیم می‌شوند (شهاب کومله، ۱۳۸۶: ۴۸).

سیزده بدر: از روز دوازدهم فروردین مردمان سرزمین گیل و دیلم خود را برای برگزاری مراسم «سیزده بدر» آماده می‌کنند که تهیه غذا به عهده زنان خانواده است. در روز سیزده بدر به دشت و صحرا و کوه‌های اطراف می‌روند و معتقدند که به این وسیله

نحسی سیزده را بدر می‌کنند و یا به بیانی دیگر، با رفتن به دشت و دمن و کوه و جنگل به استقبال بهار و سبزه و شادی می‌روند. در روز «سیزده بدر» مردم سرزمین گیل و دیلم به صورت گروهی، چند خانوار غذای ظهر را آماده می‌کنند و آجیل و خوردنی‌های سفره هفت سین را با خود برداشته و به دامان صحرا و طبیعت می‌روند و سبزه هفت سین را با خود برداشته و به آب روان رودخانه‌ها می‌سپارند و به بازی کردن و دویدن، تاب خوردن، شوخی کردن و گره زدن سبزه می‌پردازند (بعضی اعتقاد دارند «گره زدن سبزه» برای دختران جوان دم بخت شگون دارد و بخت آنها را باز می‌کند). همچنین اعتقاد دارند که اگر ۱۳ عدد سنگ را در روز «سیزده بدر» به رودخانه بیندازند، حاجت آنها برآورده می‌شود.



شکل ۲. نقشه پراکندگی آیین‌های قمری شرق گیلان



شکل ۳. نقشه پراکندگی آیین‌های خورشیدی شرق گیلان

ممکن است که در روزگاران گذشته، مردم شرق گیلان آیین‌های دیگری نیز داشته‌اند که رفته رفته به جهات گوناگون از میان رفته است. نظیر آب پاشان در کنار دریای کاسپین - بین لنگرود و رودسر- که تا دوران صفویه برگزار می‌شده و بهزاد بیگ وزیر معروف گیلان در روز برگزاری همین آیین، به طناب «بندبازی» آویخته شد. شرق گیلان، همچنان که شامل: منطقه‌ها گسترده، با نظرات گوناگون و گویش‌های تقریباً متفاوت است؛ ریزه‌کاری‌های بعضی از آیین‌ها و معتقدات به گونه‌ای دیگر است. مثلاً در روستای سالکویه که با لنگرود ۳ کیلومتر فاصله دارد، در عروسی ریزه‌کارهایی دارند که بیشتر لنگرودی‌ها از آن بی‌خبرند و در شرقی‌ترین روستاها، گوشه‌هایی از آیینی را اجرا می‌کنند که در غربی‌ترین آبادی‌های شرق گیلان با آنها آشنایی ندارند (پاینده، ۱۳۷۷: ۱۱).

۳-۲-۴. آیین‌ها و مراسم در رابطه با فعالیت‌های تولیدی و معیشتی

از دیگر ویژگی‌های فولکلور منطقه که به خاطر روزمرگی و معمولی بودن توجه پژوهشگران را جلب نکرده است، آداب و رسوم مربوط به کشت برنج و آداب محدودتر

مربوط به نوقان داری است. اینها ویژگی‌های اساسی فرهنگ مردم در گیلان هستند که در آیین‌های گذار به مراحل مختلف زندگی بروز می‌کنند.

آیین‌ها و باورداشت‌های کشت برنج: باران خواهی و آفتاب خواهی در هنگام خشکسالی و بارندگی زیاد، با ترانه‌ها و اعمال و مراسم ویژه‌ای توأم است و شالیکاران بر این باورند که با اجرای آن به خواسته‌های خود خواهند رسید. کشت برنج در استان گیلان با آیین‌ها و باورداشت‌های گوناگونی همراه است.

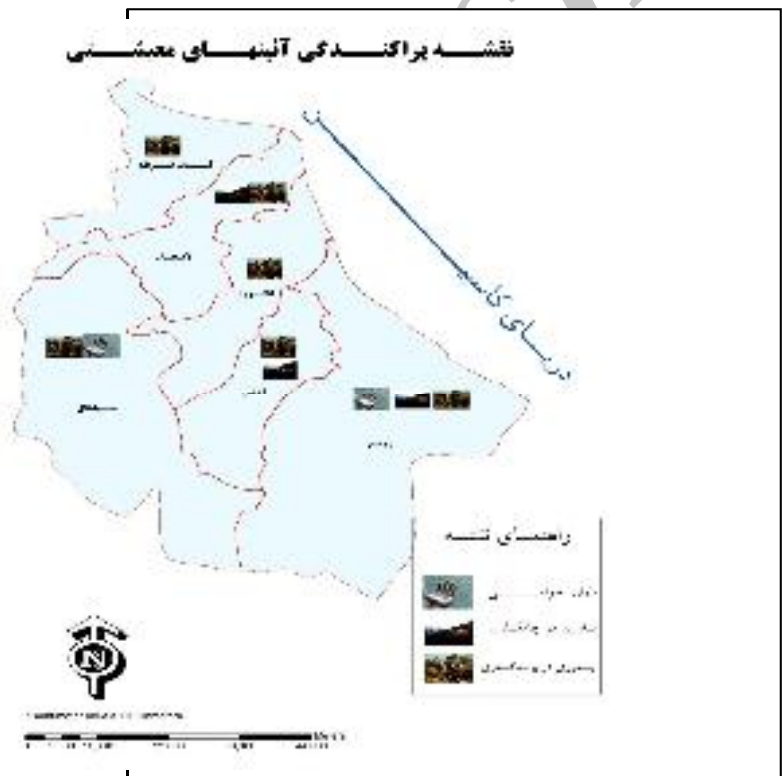
مراحل کشت و تولید انواع برنج و چگونگی استفاده از آن به عنوان یک منبع تغذیه با زندگی و افکار مردم گیلان درهم آمیخته است. باورهای مربوط به روز نخست کشت و روز پایانی درو با مراسم نمادینی برگزار می‌شود. باران خواهی و آفتاب خواهی در هنگام خشکسالی و بارندگی زیاد، با ترانه‌ها و اعمال و مراسم ویژه‌ای توأم است و شالیکاران بر این باورند که با اجرای آن به خواسته‌های خود خواهند رسید.

یاوردهی در بیجارسر: از آیین‌های دوست داشتنی دیگر، در روستاهای گیلان و دیلمستان، یاوردهی، در روزهای دشوار زندگی بود که دوستان، دست دوستان را می‌گرفتند و همسایگان به یاری همدیگر می‌آمدند و ایستادگان، با مهربانی به افتادگان می‌رسیدند و روستا را سر پا نگه می‌داشتند. به هنگام نشا کردن در سطح برنج‌زار، زنان آبادی به یاری یکدیگر می‌آیند (پاینده، ۱۳۷۷: ۲۲۴). بجا سوری با تصنیف‌ها و ترانه‌های ویژه به نام «بجار کاری شعر» به وسیله مردان و زنان شالیکار هنگام کشت و کار زمزمه می‌شوند. آهنگ و شعر این ترانه‌ها را شاعران گمنام سروده‌اند.

آیین‌های کشت برنج تنها به موارد فوق خلاصه نمی‌شود و آیین یآوری، ایلجار، نشاستن یاور، ویجین یاور، دواره یاور، برنج و وینی یاور نیز از جمله این آیین‌هاست.

کتره گیشه: از معروف‌ترین مراسم سنتی باران خواهی در گیلان، رسم عروس کردن کفگیر چوبی است. این نمایش آیینی که تا دو دهه قبل در سرتاسر گیلان رایج بود، ریشه در باورهای مهر پرستی گیلانیان دارد. نه روایت از این آیین در گیلان به دست آمده است. این روایات گرچه شبیه به هم هستند، اما تفاوت‌هایی در نحوه اجرا و اشعار دارند. آنان از صاحب خانه‌ها برنج، روغن، شکر، چای و وسایل پخت غذا به عاریت می‌گرفتند؛ سپس، گروه باران خواه به بقعه یا مزار روستا می‌رفتند و با وسایل گردآوری شده، طواف می‌کردند و باز می‌گشتند و دیگران را اطعام می‌نمودند. آنان در پایان مراسم، ظروفی را که از مردم به عاریت گرفته بودند، پس می‌دادند و کفگیر عروس شده را تا باریدن باران مفید و سیراب کننده شالیزارها در بقعه یا مزار متبرکه روستا نگه می‌داشتند (بشرا، ۱۳۸۱: ۸۱)

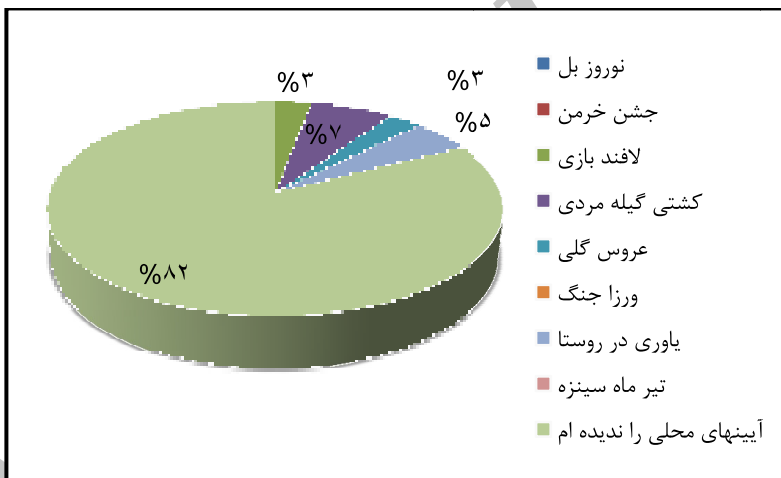
آیین آفتاب خواهی: آیین باران خواهی در نقاط دیگر ایران نیز که اغلب خشک و کویری است رواج داشته، اما آیین و رسم «آفتاب خواهی» جز در گیلان دیده نشده است. باران اگرچه رحمت است، اما اگر زیاد بیارد مزارع را نابود خواهد کرد و سیل روان خواهد ساخت. در شرق گیلان رسم آفتاب خواهی، نامی روشن تر داشت «خور دِ تابه» یعنی آفتاب بتابد. در اشکور علیای رودسر این رسم را به زبان خودشان «خور ده توه» می‌نامیدند و به این ترتیب انجام می‌شد که کودکان از میان خود یک نفر را به عنوان «پیر بابو» بر می‌گزیدند و با چند نفر دیگر جاروی کهنه، انبر، نمد پاره و حصیر به خود می‌آویختند و هر کدام چوبدستی در دست می‌گرفتند و دسته جمعی شعر می‌خواندند. و با چوب‌هایشان بر زمین می‌کوفتند. صاحب خانه، گل آتشی به سوی آنها می‌انداخت و آنها آتش را با ضربه‌های چوب‌هایشان خاموش می‌کردند و از صاحب خانه برنج و تخم مرغ هدیه می‌گرفتند و به خانه دیگری می‌رفتند (موسوی، ۱۳۸۶: ۱۰۷).



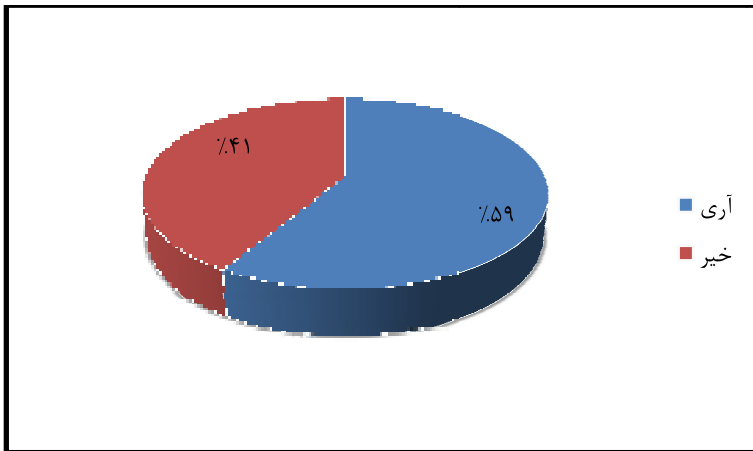
شکل ۴. نقشه پراکندگی آیین‌های معیشتی شرق گیلان

۴. نتایج و بحث

بر اساس پژوهش‌های میدانی و تنظیم پرسش‌نامه‌ها و برآیندهایی که از آن حاصل گردید، تقریباً نزدیک به ۲۰ درصد از گردشگران توانسته بودند حداقل یکی از آیین‌های سنتی شرق گیلان را ببینند و به سبب اجرای مردمی و نماد بیرونی، با آیین‌هایی چون نوروزبل و سنت یآوری به ویژه در هنگام بهار و تابستان و به سبب اجرای آن در مناسبت‌هایی که با زمان مسافرت آنان همزمان بوده آشنا شدند. آیین‌ها و سنت‌ها شاید به لحاظ فراهم نبودن بستر مناسب و عدم کارایی آنها در زندگی ماشینی امروز شناخته شده نیستند و تنها در زمینه سوگواری‌ها و آداب مذهبی به لحاظ پشتوانه قوی دینی به حیات خود ادامه می‌دهد؛ به طوری که ۸۲ درصد گردشگران هیچ گونه از آیین سنتی ما را در سفر خود ندیده و یا حتی نام آنها را نشنیده بودند. اما با این تفسیرها، بیش از ۵۹ درصد از آنها باور داشتند که آیین‌های سنتی، می‌تواند انگیزه سفر دوباره آنها به این منطقه باشد؛ بنابراین، این امید وجود دارد که در صورت شناساندن، احیا، ترویج ویژگی‌های خاص منطقه و انطباق سنت‌ها و آداب و رسوم محلی با زندگی امروز، شمار گردشگران و بازدید کنندگان منطقه افزایش یابد.

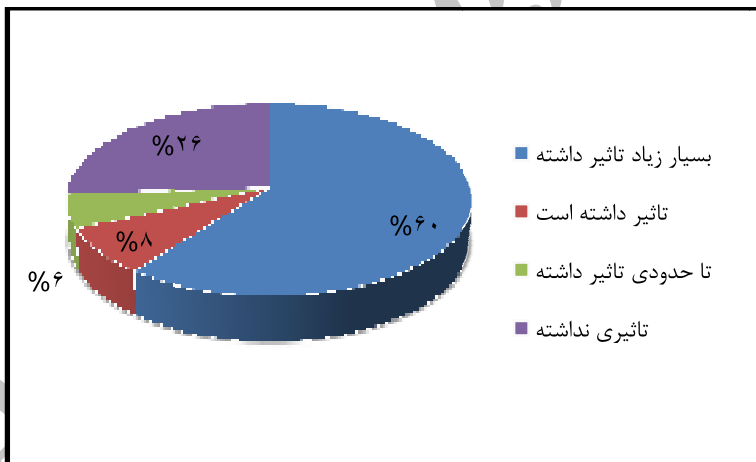


شکل ۵. نمودار درصد توزیع آیین‌هایی که گردشگران دیده‌اند



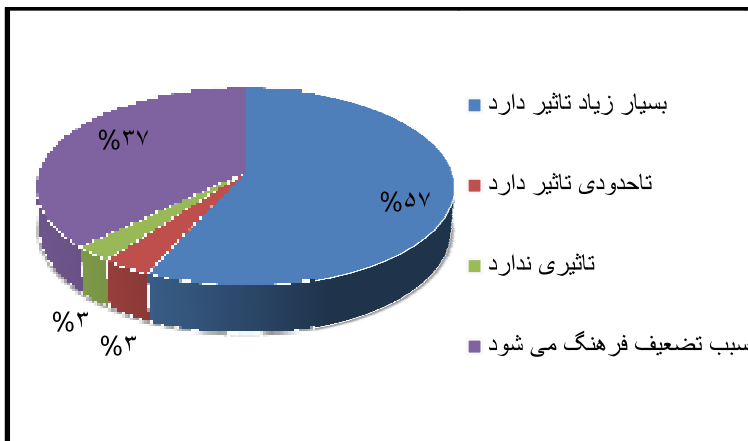
شکل ۶. نمودار درصد توزیع تأثیر آیین‌هایی محلی در سفر مجدد گردشگران

۶۰ درصد از گردشگران باور دارند که احیای آیین‌های سنتی تا حد زیادی می‌تواند در جذب گردشگر مؤثر باشد و ۸ درصد نیز بر تأثیر احیای آیین‌های سنتی در جذب گردشگر اذعان داشتند. همچنین ۶ درصد باور داشتند که آیین‌های سنتی فقط تا حدودی در جذب گردشگر مؤثر است؛ اما ۲۶ درصد آیین‌های سنتی را در جذب گردشگر مؤثر نمی‌دانستند.



شکل ۷. نمودار درصد توزیع تأثیر احیای آیین‌هایی محلی سنتی در جذب گردشگران

۵۷ درصد گردشگران بر این باور بودند که گردشگری در پویایی فرهنگ قومی تأثیر بسیار زیادی دارد؛ ۳ درصد نیز گردشگری را تا حدی در پویایی فرهنگ بومی مؤثر می‌دانند؛ ۳ درصد نیز معتقد بودند که گردشگری تأثیری در فرهنگ مردم و پویایی آن ندارد و ۳۷ درصد از آنان گردشگری و آسیب‌های آن در ابعاد گوناگون را سبب تضعیف فرهنگ بومی منطقه می‌دانند.



شکل ۸. نمودار درصد توزیع تأثیر گردشگری در پویایی فرهنگ بومی

در بررسی‌های به عمل آمده، پژوهش‌های میدانی و تحلیل پرسش‌نامه‌ای، آیین‌های سنتی به عنوان متغیر مستقل و ورود گردشگران، همچنین بهبود و رونق زندگی مردم، تبادل فرهنگی، پویایی فرهنگی و انگیزه سفر مجدد به نوعی متغیرهای وابسته در نظر گرفته شدند. چون جامعه آماری دارای صفات کیفی هستند به هر پرسش، بر حسب مقادیر و صفاتشان، رتبه اختصاص داده شد و مرتبه آنها برای هر پرسش و پاسخ به طور جداگانه براساس صفت بارز، مشخص شد. ضریب همبستگی بین متغیرها از ضریب همبستگی اسپیرمن محاسبه شده است.

$$P_s = 1 - \frac{6 \sum d^2}{n^3 - n}$$

که در آن d^2 مجذور انحرافات در رتبه‌ها و n تعداد سوالات در جامعه آماری در نظر گرفته شده است. سپس با نرم افزار Excel فرمول ذکر شده، تعریف و محاسبه گردید و مقدار $0/76$ به دست آمد که به علت قرار گرفتن در بازه عددی $[0,1]$ همبستگی ناقص مستقیم بین متغیرهای پژوهش برقرار است.

در نگرش به موضوع آیین‌های سنتی، مانع اصلی در این جاست که آیین‌های سنتی را نمی‌شناسیم و فقط از بدیهیاتی مانند: ناهنجاری‌های اجتماعی و شایعات فرهنگی آن اطلاع داریم، نه از ایجاد یگانگی و وفاق ملی، امنیت، تقویت بنیه فرهنگی، تنش زدایی و این که هر منطقه، دارای مزیت‌های تاریخی- فرهنگی فراوانی است که می‌تواند در پیشرفت، سهم داشته باشد و نقش ایفا کند. بنابراین، وقتی صحبت از آیین‌های سنتی می‌شود، مفهوم آن به خوبی روشن نمی‌گردد؛ در حالی که هر مکان زیستی با توجه به استعدادها، برتری‌های تاریخی- فرهنگی که دارد، می‌تواند جایگاه بنیادی در پیشرفت منطقه ایفا نماید. این جاست که نگاهی از آیین‌ها و سنت‌های دیر پای هر دیاری، بر

عده‌اندیشه واران و دانش آموخته‌های دیاری کهن است که روند از پیش اندیشیده شده باختر نشینان به برآیند دلخواه آنان نینجامد. بررسی و کندوکاو در زمینه‌های گوناگون فرهنگی و آیینی، همچون سد و بندی است، در فراروی فرآیند جهانی سازی با فرهنگ غربی. این پویس‌هاست که آن ساختار و کارکردی را که آنان در نظر گرفته‌اند، از پویایی انداخته و به ایستایی می‌کشاند.

Archive of SID

۵. منابع

۱. اصلاح عربانی، الف (۱۳۸۰)، کتاب گیلان، گروه پژوهشگران ایران، جلد دوم.
۲. بشرام و طاهری، ط (۱۳۸۷)، جشن‌ها و آیین‌های مردم گیلان (به جز آیین‌های نوروزی)، رشت، فرهنگ ایلیا.
۳. پاینده‌لنگرودی، م (۱۳۷۷)، آیین‌ها و باورداشت‌های گیل و دیلم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
۴. شهاب‌کومله، ح (۱۳۸۶)، فرهنگ عامه کومله (شرق گیلان)، انتشارات گیلکان.
۵. کشور دوست، ع (۱۳۸۶)، گیلانشهرها، رشت، انتشارات وارسته.
۶. کشور دوست، ع (۱۳۷۲)، کتاب کادوس، تهران، انتشارات معلم.
۷. روح الامینی، م (۱۳۸۳)، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، انتشارات آگاه، تهران.
۸. موسوی، سه (۱۳۸۶)، نمایش‌ها و بازی‌های سنتی گیلان، رشت، فرهنگ ایلیا.
۹. نادری، ع و سیف‌نراقی، م (۱۳۷۲)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، نشر ارسباران.
۱۰. هومند، ن (۱۳۷۵)، گاه‌شماری باستانی مردمان مازندران و گیلان، ناشر: مؤلف.